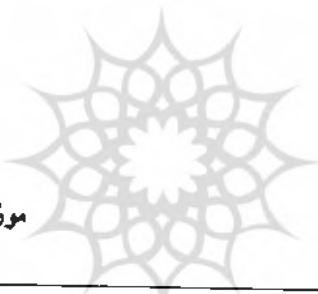


نقدی بر مقاله‌ی «وجه تسمیه‌ی نهاوند»

دکتر عزیزالله بیات

موزخ و استاد دانشگاه شهید بهشتی



اشاره :

آنچه می‌خوانید نقدی علمی و تحلیلی است که توسط استاد تاریخ آقای دکتر عزیزالله بیات نوشته شده و در آن مقاله‌ی آقای دکتر علی‌اکبر افراسیاب‌پور تحت عنوان «وجه تسمیه‌ی نهاوند» که در فرهنگ‌نگار شماره‌ی ۲ به چاپ رسیده بود بررسی و نقادی شده است.

فرهنگ‌نگار ضمن تشکر از مستقد ارجمند از چنین نقد و تحلیل‌های علمی استقبال می‌کند و از سایر صاحب‌نظران نیز برای نقادی مقالات و نوشته‌های دیگر فصل‌نامه استمداد می‌طلبد.

۱ - نویسنده‌ی محترم در صفحه‌ی ۱۱۲ دو سطر به آخر صفحه‌ی مذکور این چنین مرقوم داشته‌اند «از طرف دیگر این شهر نام‌های دیگری نیز داشته است، چنان‌که در عصر مادها به نام «نهایوند ماد» (که این ماد به مای و سپس به ماه تبدیل شده) شناخته می‌شده و به گفته‌ی استاد ملک الشعرای بهار در سبک شناسی (ج ۱، ص ۱۶) در آن عصر استانی بزرگ و مهم بوده است.»

[نظر استاد بیات:] از کلمه‌ی «نهایوند» در هیچ منبعی که در ارتباط با سلسله‌ی مادها باشد ذکری نشده‌است. قدیمی‌ترین ذکری که از مادها (نه نهایوند) به میان آمده به استناد قول گیرشمن باستان‌شناس فرانسوی این است: «تیگلات پیلسر سوم (Tiglath pilaser III) پادشاه آشور (۷۴۵-۷۲۷ ق.م) همه‌ی سرزمین‌های واقع بین فرات و بحرالروم را تصرف کرد. پادشاه مذکور جنگ را به میان مادها در شمال غربی همدان کشانید. (۱)

زنده یاد ملک‌الشعری بهار در ارتباط با ماد چنین نوشته‌اند «ماه نهایوند یعنی ولایت یا استان نهایوند که قسمت وسیعی را تا قم و تا حدود اصفهان و لرستان شامل بوده است. کلمه ماه در این جا باقی مانده‌ی (ماد) و (مای) قدیم است که مرکز مملکت مادی باشد و این نواحی را که امروز عراق عجم و همدان و کرمانشاه و دینور و نهایوند و پیشکوه گویم در قدیم کشور ماه می‌نامیدند». (۲)

بدیهی است از ذکر کلمه‌ی «قدیم» در جمله‌ی بالا کلمه‌ی «نهایوند» مورد نظر نبوده است. مضافاً بر این، زنده یاد ملک‌الشعری بهار استاد مسلم زبان و ادبیات فارسی بودند نه استاد تاریخ ایران پیش از اسلام. همان‌طور که می‌دانیم تا کنون هیچ کتیبه و سندی مکتوب از دوره‌ی سلسله‌ی مادها به دست نیامده است. در ارتباط با این مطلب دیاکونوف بزرگ‌ترین مادشناس دنیا چنین گوید: «در مورد ساکنان ماد مرکزی و شرقی موضوع

۱ - ایران از آغاز تا اسلام، گیرشمن، ترجمه‌ی دکتر محمد معین، ص ۹۳

۲ - سبک شناسی، ملک‌الشعری بهار، ج ۱، ص ۱۶

پیچیده‌تر است. تاکنون هیچ مدرک مستقیمی دال بر این‌که اینان با خط و کتابت آشنا بوده‌اند به دست نیامده است.^(۱)

۲- نویسنده‌ی محترم در صفحه‌ی ۱۱۲ به قول بطلمیوس استناد کرده می‌نویسد که بطلمیوس از نهاوند به نام نیفوآندای نام برده است.

[نظر استاد بیات:] متأسفانه در این جا نویسنده نه از منبع مورد استفاده خود نام برده است و نه از کیفیت نوشته‌ی بطلمیوس در مورد نهاوند. برای مزید اطلاع آن دوست عزیز یادآوری می‌نمایم که یک پژوهشگر در روش تحقیق تاریخ لازم است نکات زیادی را رعایت کند، از جمله مشخصات منبعی را که از آن استفاده کرده است ذکر کند و اگر به منابع مختلف اشراف کامل داشته باشد شخصاً اظهار نظر نماید. به‌رحال بطلمیوس منجم و ریاضی‌دان و جغرافیادان معروف حوزه‌ی علمی اسکندریه در قرن دوم میلادی، نهاوند را قدیمی‌ترین ناحیه‌ی جبال می‌داند که طول جغرافیایی نهاوند را (صد) (۷۴ درجه) و عرض جغرافیایی آن را (لو) (۳۶ درجه) ضبط کرده است.

با دقت در تاریخ زندگی بطلمیوس (قرن دوم میلادی) روشن می‌شود که وی در دوران اشکانیان در قید حیات بوده است نه در دوره‌ی مادها.^(۲)

۳- نویسنده‌ی محترم در صفحه‌ی ۱۱۳ مرقوم داشته‌اند «در عصر سلوکید این شهر را لائودیسه می‌گفته‌اند، زیرا ملکه لائودیسه در این شهر سکونت داشته و کتیبه‌ی سنگی نهاوند مبین این مطلب است».

[نظر استاد بیات:] بعد از انقراض سلسله‌ی هخامنشیان، جانشینان اسکندر سیاست شهرسازی اسکندر را تعقیب و تکمیل کردند. در دینور و کنگاور مؤسسات یونانی بنا شد و

۱- تاریخ ماد، دیاکونوف، ترجمه‌ی کریم کشاورز، ص ۳۳۹

۲- جغرافیای بطلمیوس، ترجمه‌ی ابرجعفر محمدبن موسی خوارزمی، تحت عنوان صورة الارض، ص ۲۲

در بخش جنوبی تر لائودیسه Laodice «نهایند امروزین» بناشد. (۱) لائودیسه در یونانی لائودیکه تلفظ می‌شود. بدیهی است قبل از این‌که شهر بنا گردد لائودیسه در آن سکونت نداشته‌است.

در سال ۱۳۲۲ هجری شمسی ضمن خاکبرداری از محل معبدی که از دورهی سلوکیان در تپه‌ی مرکزی نهایند باقی مانده‌است کتیبه‌ی بزرگی بر روی سنگ کشف شد. این کتیبه به نام آنتیوخوس سوم شاه سلوکی و متعلق به سال ۱۹۳ قبل از میلاد است. کتیبه در ۳۲ سطر به خط یونانی قدیم بر روی قطعه سنگی به ابعاد ۸۵x۴۶ سانتی‌متر نقر شده است. این کتیبه شامل عناوین و اختیاراتی است که شاه سلوکی به ملکه و خواهر خویش لائودیکه داده‌است و دستور می‌دهد که زوجی او را پرستش کنند.

آنچه مسلم است این است که در دوران سلطنت سلوکید یعنی از سال ۲۱۳ قبل از میلاد تا تأسیس سلسله‌ی اشکانیان یعنی ۲۵۰ قبل از میلاد کلمه‌ی نهایند در هیچ منبعی ذکر نشده و این شهر به نام لائودیکه (لائودیسه) معروف بوده است. این شهر به احتمال قریب به یقین در دوران سلسله‌ی اشکانی یا ساسانی به نهایند معروف بوده است، زیرا به استناد قول کریستن سن مستشرق دانمارکی در دورهی سلطنت اردشیر پاپکان (۲۱۲-۲۲۶ میلادی) طبقه‌ی مقتدری به نام طبقه‌ی رؤسای طوایف پیدا شد. سرآمد آنان رؤسای هفت دودمان ممتاز بودند که یکی از آن‌ها به نام قارن در حوالی نهایند سکونت داشتند. (۲)

به‌رحال به استناد مطالب کتیبه‌ی آنتیوخوس سوم، بانی «نهایند» همین شخص است و اگر هم نهایند قبل از سلوکیدها یعنی در دورهی هخامنشیان و مادها وجود داشته تاکنون در این باره سندی به‌دست نیامده است. اما انتساب بنای این شهر به حضرت نوح

۱ - تاریخ ایران باستان، دباکونوف، ص ۲۴۶

۲ - ایران در زمان ساسانیان، کریستن سن، ترجمه‌ی رشید یاسمی، ص ۶۳

علیه‌السلام این است که جغرافی‌دانان مسلمان هنگامی که مبادرت به نوشتن جغرافیای شهرها کردند به علت قدمت تعدادی از آن‌ها و مشخص نبودن بانی چنین شهرهایی بنای آن‌ها را به حضرت نوح (ع) یا کیومرث پادشاه اساطیری ایران نسبت داده‌اند. ضمناً متذکر است نسبت شهر نهاوند را به حضرت نوح علیه‌السلام، این بنده در بیست سال گذشته در یکی از تألیفات خود به نام «کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران» نوشته‌ام. این کتاب توسط مؤسسه‌ی انتشاراتی امیرکبیر به کرات جهت استفاده دانشجویان رشته‌های تاریخ و جغرافیا تجدید چاپ شده است. علت این‌که مؤسسه‌ی نوح شناسی آمریکا تاکنون اطلاعاتی از این جانب نخواسته‌اند بر من مجهول است؟

۴- نویسنده‌ی محترم در صفحه‌ی ۱۱۳ از قول میرخواند مؤلف کتاب روضة الصفا چنین نقل قول کرده‌اند: «در کتاب روضة الصفا نام قدیم نهاوند را وراحل آورده‌اند، ج ۷ ملحقات، ص ۴۴۸».

[نظر استاد بیات:] این نقل قول مستند نیست زیرا تألیف جلد هفتم (آخرین جلد کتاب) به سبب مرگ مؤلف (سال ۹۰۳ هجری) انجام نگرفته است. وی در ۶ جلد دیگر در صفحات ۳۰۲-۳۰۴-۴۲۸-۴۵۷-۵۵۸-۶۳۸-۶۷۵-۶۷۷-۱۰۴۴-۱۰۷۴-۱۱۱۶-۱۱۴۸ به کلمه‌ی «نهاوند» تصریح کرده است. اما جلد هفتم کتاب توسط نوه‌ی دختری میرخواند به نام خواندمیر نوشته شده است. این نویسنده در ارتباط با نهاوند گوید نهاوند شهری است قدیم و زعم صاحب عجائب البلدان آن است که آن بلده از بناهای نوح است. نامش را وراحل نهادند، از کثرت استعمال نهاوند شد. بنابراین خواندمیر مؤلف کتاب حبيب السیر این مطلب را از قول مؤلف عجائب البلدان نقل قول می‌کند. توصیه می‌شود نویسنده‌ی محترم برای استفاده‌ی بهتر از منابع تاریخ به دو جلد کتاب «شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران» تألیف این بنده مراجعه نمایند.^(۱)

۵- در خاتمه یادآوری می‌شود که نویسنده محترم در صفحه‌ی ۱۱۶ فرهنگان به داستان قدیمی و عامیانه‌ی به گِل نشستن کشتی نوح (ع) در کوه سرکشتی واقع در غرب منطقه‌ی دلفان (نزدیک نهاوند) به نقل از کتاب «آثار باستانی و تاریخی لرستان» تألیف حمید ایزدپناه اشاره کرده‌اند که مستند نیست. داستان قصه‌ی نوح علیه‌السلام به اختصار چنین است:

نوح که در زبان عربی به معنی راحت است، یکی از شخصیت‌های مشهور کتاب مقدسی است که مخصوصاً به سبب واقعه‌ی طوفان نوح و کشتی نوح معروف و پدر دوم نوع بشر محسوب شده است. گویند چون شقاوت و شرارت نوع بشر شدت یافت مشیت الهی بر آن قرار گرفت که جنس بشر جز نوح (که مردی عادل و خداپرست بود) و جمعی از خانواده‌ی وی را هلاک کند. پس یکصد و بیست سال پیش از این که طوفان معروف به طوفان نوح را بدین قصد بر زمین راه‌اندازد نوح را مأمور کرد که برای نجات خود و خانواده‌اش کشتی بسازد. در این مدت نوح مردم را به توبه ترغیب کرد ولی آنان گوش ندادند و عاقبت خود و زوجه و سه پسرش (سام، حام و یافث) و زوجه‌های آنان به کشتی درآمدند. هفت عدد از حیوانات پاک و یک جفت از حیوانات ناپاک را نیز برای بقای نوع در کشتی قرار دادند. طوفان برپا شد و مدت یکصد و پنجاه روز در تزیاید بود و از آن پس رو به کاهش و زوال نهاد و عاقبت کشتی نوح بر بالای کوهی فرود آمد. این حادثه در سوره‌های، اعراف، هود، مؤمنون، شعراء، قمر و نوح آمده است. در آیه‌ی ۴۳ از سوره‌ی مبارکه هود که در نهایت زیبایی و فصاحت و بلاغت است چنین آمده است:

و جغرافیایانویسان در خصوص «نهاوند» و وجه تسمیه‌ی آن پرداخته‌اند که به دلیل چاپ و منتشر شدن آن‌ها در مجموعه مقالات اولین همایش نهاوند شناسی (دی‌ماه ۷۶- مؤسسه‌ی فرهنگی علیمرادیان، صص ۶۷ تا ۸۰) از تکرار آن‌ها خود داری شده است. علاقه‌مندان می‌توانند به منبع یاد شده مراجعه نمایند.

«وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ اقْلَعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»

ترجمه: به زمین خطاب شد که آب را فرو بر و به آسمان امر شد که باران را قطع کن. آب به یک لحظه خشک شد و حکم انجام یافت و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت.
کوه «جودی» کجا است؟

گفته‌اند در دیار بکر موصل و از سلسله جبالی است که به جبال ارمینیه متصل است و در تورات آن را (آراراط) نامیده و در قاموس گویند (جودی) کوهی است در جزیره (۱) که کشتی نوح روی آن قرار گرفت و در تورات (آراراط) نامیده شده و در مراصد الاطلاع گویند: جودی با تشدید (ی) کوهی است مشرف بر جزیره‌ی ابن عمر در قسمت شرقی دجله در حومه‌ی موصل که وقتی آب فرو نشست کشتی نوح روی آن قرار گرفت. مؤلف کتاب مجمع البحرين و مطلع النیرین عالم شیمی شیخ فخرالدین بن محمد طریحی نجفی در قرن یازدهم هجری قمری محل فرود آمدن کشتی را، شام، موصل، یا جزیره ذکر کرده است.

کوهی به همین نام در ولایت بهتان ترکیه آسیایی در ۴۰ کیلومتری شمال شرقی جزیره‌ی ابن عمر وجود دارد که شهرتش به سبب روایتی است که به موجب آن کشتی نوح در آن جا به زمین نشست (آارات).

آنچه مسلم است در هیچ منبعی ذکری از کوه‌های غربی ایران به ویژه نهاوند نشده است. مضافاً بر این، مندرجات روزنامه‌ی کیهان مورخ یکم سپتامبر ۱۹۶۲ میلادی مطابق با ۱/۴/۱۳۸۲ هجری قمری که خلاصه‌ی آن به شرح زیر است نیز تأییدی بر توضیحات یادشده است.

«چند تن از دانشمندان آمریکایی به راهنمایی عده‌ای از ارتشیان ترکیه در قسمتی از

۱ - جغرافیدانان اسلامی زمین‌های بین دجله و فرات در شمال بین‌النهرین را جزیره می‌گفتند.

قله‌های کوه آزارات واقع در قسمت شرقی ترکیه در ارتفاع ۱۴۰۰ پایی به چوب‌هایی دست یافتند که طبق محاسبات^(۱) و قرائن قطعات متلاشی شده‌ی یک کشتی قدیمی است که در این محل وجود داشته است. قدمت پاره‌ای از این قطعات به ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد. چوب‌های پیدا شده را به سانفرانسیسکو حمل کردند تا دربارهی آن‌ها تحقیق کنند که آیا با حادثه‌ی حضرت نوح علیه‌السلام قابل انطباق هست یا نه؟ «اللّٰه اعلم به حقایق الامور».



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - قطعاً از طریق نام‌گذاری به‌وسیله‌ی اشعه‌ی رادیواکتیویته توانسته‌اند سن تقریبی چوب‌ها را معین کنند.